فرهیختگان
جهان شهر
یکشنبه ۳۱ تیر ۱۴۰۳
شماره ۴۱۸۷
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

روسیه در کشور اوکراین ۲ هزار تانک و رژیم صهیونیستی در نوار غزه بیش از یک هزار تانک از دست داده‌اند

اوراقی تانک‌های نتانیاهو و شرکا در غزه

فاطمه بریمانی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

«مفسران و خبرنگاران جنگ ۷ اکتبر مقصران اصلی شکست رژیم هستند.» این ادعایی بود که روز گذشته ژنرال «اسحاق بریک» طی مقاله‌ای در روزنامه «معاریو» چاپ تل‌آویو مطرح کرد. گزارش‌های دروغ کابینه حاکم، از وضعیت جبهه جنگ علیه غزه تبدیل به عامل نگرانی بسیاری از تحلیلگران شده است. به گفته بریک، شکاف موجود بین گزارش‌های ارتش و واقعیت میدانی غزه «خطرناک و نگران‌کننده» است. آمارهای غیررسمی منتشر شده از خسارات و هزینه‌های نظامی رژیم صهیونیستی پس از جنگ غزه، حاکی از شکست بزرگی است که تل‌آویو در نهمین ماه جنگ تجربه می‌کند. رژیم پس از آشکار شدن بحران کمبود نیرو در حال اعتراف به دیگر مشکلات خود است. هفته گذشته روزنامه «یدیعوت آحارونوت» افشا کرد تل‌آویو با بحران کمبود تانک در درگیری‌های نوار غزه مواجه شده است. این گزارش در ادامه اذعان کرد تعداد کنونی تانک‌ها برای «فعالیت جنگی و آموزشی کافی نیست» و این در حالی است که «حجم مهمات و موارد مورد نیاز برای اصلاح خودروهای زرهی نیز به‌شدت محدود است.» رژیم در بحران سختی گرفتار شده است. بحران تانک‌ها اهمیت بالایی دارد. شاید بتوان با قاطعیت گفت تانک اصلی‌ترین ابزار نیروهای زمینی است. بدون تانک نیروی زمینی معنایی ندارد. بدون خودروهای زرهی، تلفات به مراتب سنگین‌تری متوجه نیروها خواهد شد و ضربات مهلک‌تری برای رژیم به ارمغان خواهد آورد. در همین راستا بود که سیدحسن نصرالله، دبیرکل نیروهای مقاومت لبنان، رژیم را درصورت حمله به کشورش این‌گونه تهدید کرد که «دیگر چیزی به‌عنوان کمبود تانک نخواهید داشت؛ چون تانکی برایتان باقی نخواهد ماند.»

تجهیزات هفتمین ارتش جهان

از ابتدای جنگ تاکنون هیچ‌یک از فرماندهان نظامی رژیم درخصوص خسارت‌ها به خودروهای زرهی آماری منتشر نکرده‌اند. همه چیز مجهول مانده بود تا اینکه رسانه‌های عبری‌زبان از بحران جدی کمبود تانک در تل‌آویو خبر دادند. این کمبود به‌گونه‌ای است که تعداد تانک‌های باقی‌مانده ارتش برای جنگ و آموزش کافی نیستند. کمبودها تا جایی پیش رفته که ارتش خودروها و وسایل نقلیه زرهی کهنه، فرسوده یا سبکی را به خدمت فراخوانده است. این وسایل شامل نفربر نظامی ام۱۱۳ یا خودروهای چرخدار و جیپ‌های «هامر» می‌شود. منابع رسانه‌ای می‌گویند رسانه‌ها راجع‌به از بین رفتن و از کار افتادگی کامل ۱۰۰ تانک از ۲۲۰۰ تانک رژیم خبر داده‌اند. آنچه در این خصوص حائز اهمیت بوده، میزان تجهیزاتی است که ارتش رژیم در ابتدا داشته و میزان خساراتی که پس از ۷ اکتبر از جانب محور مقاومت متوجه‌اش شده است.

۲ میلیارد دلار و چند سال زیان به زرهی

جنگ طوفان الاقصی نشان داد رزمندگان مقاومت چه در غزه و چه در جنوب لبنان به خوبی با تاکتیک‌های مقابله با تانک مرکاوا و خنثی کردن سامانه تروفی آنها آشنا هستند. آمار بالای تانک‌های منهدم شده تاییدکننده این گزاره است. به‌دلیل پیچیدگی جنگ در غزه، صهیونیست‌ها از بهترین تانک‌های خود یعنی تانک‌های مرکاوا استفاده کردند. تانک‌های مرکاوا مارک، ۳، ۴ و ۵ به‌طور گسترده در غزه به کارگرفته شدند.

«ابوعبیده»، سخنگوی گردان‌های القسام شاخه نظامی جنبش حماس پس از گذشت ۵ ماه از جنگ در بهمن‌ماه از مورد هدف قرار دادن ۹۶۲ خودرو زرهی رژیم خبر داده بود. این در حالی است که حالا با گذشت قریب‌به ۹ ماه از تاریخ ۷ اکتبر، ویدئوهای منتشر شده حاکی از افزایش تعداد تانک‌های منهدم شده است. اگر تا ماه پنجم جنگ تقریبا یک هزار تانک مورد هدف قرار گرفته باشد، طی ۴ ماه بعدی نیز باید صدها تانک هدف قرار گرفته باشند؛ هرچند به دلیل کاهش عملیات‌ها و محدود کردن حضور در غزه، از شدت درگیری‌های رودررو کاسته شده است. بر این اساس شاید منطقی باشد تعداد تانک‌های هدف قرار گرفته ۱۲۰۰ عراده در طول جنگ درنظر گرفته شوند.

در روز ۷ اکتبر رژیم صهیونیستی دارای ۲۲۰۰ تانک عملیاتی بود که که ۱۲۰۰ عراده یا به تعبیری حدود ۵۵ درصد از این تعداد تاکنون مورد هدف قرار گرفته‌اند. منابع رسانه‌ای می‌گویند از میان تانک‌های هدف قرار گرفته ۱۰۰ عراده به‌طور کامل نابود شده و قابل بازیابی نیستند.

۱۱۰۰ تانک دیگر به میزان‌های مختلفی آسیب دیده‌اند که تعمیر هرکدام از تانک‌ها نیازمند زمان طولانی و هزینه زیاد است. مساله‌ای که درخصوص ۱۰۰ عراده نابود شده یا حتی تعمیر ۱۱۰۰ تانک مورد اصابت قرار گرفته وجود دارد این است که هر تصمیمی هزینه‌های سنگینی برای صهیونیست‌ها به ارمغان خواهد آورد. قیمت هر تانک مرکاوا، ۱۰ میلیون دلار تخمین زده شده است. این به این معناست که درحال‌حاضر رژیم قریب‌به یک میلیارد دلار از ۱۰۰ تانک نابود شده متضرر شده است و از سویی دیگر ۱۱۰۰ عراده منهدم شده وجود دارند که هرکدام از آنها ۵۰۰ هزار تا یک میلیون دلار آسیب خورده‌اند. رژیم برای تعمیر و بازیابی آنها باید ۵۵۰ میلیون تا یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار هزینه متحمل شود. یک حساب سرانگشتی نشان می‌دهد تجهیزات زرهی صهیونیست‌ها بیش از ۲ میلیارد دلار آسیب دیده است. تمام مساله اما هزینه‌های مالی نیست؛ بازسازی و به خدمت بازگرداندن تانک‌های آسیب دیده به سال‌ها زمان نیاز دارد.

معنای بحران تانک چیست

چه بر سر ارتشی بدون تجهیزات و بدون تانک خواهد آمد؟ یکی از وجوه تمایز یک ارتش با گروه شبه‌نظامی در میدان نبرد، تجهیزات و به‌ویژه برخورداری از تانک و خودروهای زرهی است. درصورتی‌که در میدان نبرد، یک طرف تجهیزات خود را از دست بدهد و تنها با سرباز و اسلحه انفرادی به مقابله و جنگ بپردازد، چه تفاوتی با جنگ گروه‌های شبه‌نظامی خواهد داشت؟ رژیم صهیونیستی که به ادعای برخی متخصصان، هفتمین ارتش قدرتمند جهان است بدون تجهیزات سنگین شبیه همان گروه‌های شبه‌نظامی حاضر در غزه خواهد شد.

بحران تانک‌ها از چند جهت علیه رژیم عمل خواهد کرد. برخورداری از تانک در میدان نبرد زمینی، میزان استفاده از نیرو را کاهش می‌دهد. برای تل‌آویو که حالا با کمبود سرباز مواجه شده است، بحران تانک‌ها می‌تواند نگرانی مضاعفی ایجاد کند. تانک‌ها در تهاجم‌های زمینی می‌توانند نقش سپر دفاعی برای نیروها ایفا کنند. تانک‌ها از تلفات گسترده نیروهای نظامی می‌کاهند و بدون آنها رژیم شاهد بالا رفتن چشمگیر آمار تلفات خواهد بود. آنچه از پی کمبود یا انهدام تانک‌ها از ابتدای جنگ برای تل‌آویو اتفاق افتاده، هراس روزافزون نسبت به ادامه جنگ است. کمبود یا از بین رفتن تجهیزات نظامی در جنگ موجب تنزل جایگاه و کاهش اعتمادبه‌نفس در میدان می‌شود، اما فقدان تجهیزاتی که در ابتدای جنگ وجود داشته و حالا عملا قابل استفاده نیستند، پیامدهایی به‌مراتب بدتر و هراس‌انگیزتری را برای ارتش و بسیاری از نیروها در بر خواهد داشت. سربازان صهیونیست که جنگیدن در کنار تانک‌هایشان را تجربه کرده بودند، حالا درصورت دستور پیشروی بدون تانک به هراس بزرگی دچار می‌شوند. فرماندهان ارتش رژیم برای مقابله با بحران تانک‌ها در تلاشند خود را با آن منطبق کنند. به همین دلیل از میزان پراکندگی یگان‌های نظامی در غزه کاسته شده و نیروها در مناطق محدودی تجمع کرده‌اند. از سوی دیگر در فقدان دسترسی به خودروهای زرهی پیشرفته، ارتش کوشیده با ساخت پایگاه‌های بتنی در غزه برای استقرار نیروهایش، مشکل حفاظت از آنها را این‌گونه حل کند.

تانک‌ها در آیینه لبنان

سیدحسن نصرالله طی آخرین سخنرانی خود به صهیونیست‌ها هشدار داد درصورت حضور تانک‌های صهیونیستی در جنوب لبنان، «دیگر چیزی به‌عنوان کمبود تانک نخواهند داشت، چون تانکی باقی نخواهد ماند.» این هشدار از آنجایی برای صهیونیست‌ها جدی و مهم تلقی می‌شود که حزب‌الله بارها طی جنگ‌ها و درگیری‌های متعدد توانست ثابت کند در مواجهه با رژیم از تجهیزاتی برخوردار است که می‌تواند همه ادوات نظامی تل‌آویو را در مدت‌زمان کوتاهی از بین ببرد. یکی از این تجهیزات موشک‌های ضدزره هستند. برای مقابله و منهدم کردن تانک‌ها در میدان نبرد سلاح‌های مختلفی وجود دارد. یک دسته راکت‌های ضد زره و دسته دیگر موشک‌های هدایت شونده هستند.

گروه‌های حاضر در غزه به‌طور عمده به راکت‌های ضدزره مسلح بوده و دسترسی کمی به موشک‌های ضدزره هدایت‌شونده دارند. در مقابل مقاومت لبنان به‌طور گسترده‌ای به این سلاح‌های پیشرفته مجهز است. اگر مقاومت غزه امروزه در زرهی متکی به راکت‌های ضدزره غیرهدایت‌شونده‌ای مانند یاسین-۱۰۵ است، مقاومت لبنان تقریبا دو دهه قبل طی جنگ ۳۳روزه سال ۲۰۰۶ به‌طور گسترده‌ای از موشک ضدزره هدایت‌شونده کورنت بهره گرفت. با این وجود، مقاومت لبنان در حوزه موشک‌های ضدزره هدایت‌شونده نیز به انواع مختلفی از آنها دسترسی دارد. به‌عنوان نمونه موشک کورنت، موشکی در راستای افق دید است و باید در مسیری مستقیم به سمت هدف حرکت کند. نوع هدایت این موشک لیزری و اپتیکی است. به این شکل که کاربر و شلیک‌کننده با تاباندن و نشانه‌گذاری لیزر روی هدف باعث می‌شود موشک به‌سمت آن حرکت کند. در این نوع هدایت به این دلیل که تا پایان اصابت نشانه‌گذاری باید حفظ شود، کاربر باید مدت قابل‌توجهی در میدان نبرد باقی بماند.

با این‌حال مقاومت لبنان در جنگ طوفان الاقصی از موشک‌های «اتک تاپ» الماس استفاده کرده که بسیار پیشرفته‌تر از کورنت هستند. گفته می‌شود نیروهای مقاومت لبنان چند سال قبل این موشک را از صهیونیست‌ها به غنیمت گرفتند و برای ایران ارسال کردند تا تهران آنها را مهندسی معکوس کند. این موشک‌ها بسیار پیشرفته‌اند و تحولی در عرصه جنگ با رژیم ایجاد کرده‌اند. این موشک از خط سیر مستقیم استفاده نمی‌کند و به همین دلیل کاربر می‌تواند آن را از پشت موانع و سنگرهای مستحکم به‌سمت هدف پرتاب کند. از این رو شناسایی محل پرتاب به‌دلیل غیرمستقیم بودن خط سیر موشک دشمن سخت‌تر است، زیرا جهت پرتاب برای پیش‌بینی مسیر ممکن نیست. از سوی دیگر این موشک با استفاده از دوربینی که در دماغه دارد خود به‌شکل مستقل دست به جست‌وجو و انتخاب هدف می‌زند و به همین دلیل کاربر پس از پرتاب موشک می‌تواند بلافاصله محل را ترک کند. با استفاده از موشک الماس لبنان توانایی حمله به پایگاه‌های امن رژیم را که در خط دید قابل‌مشاهده نیستند نیز کسب کرده است. موشک‌های الماس قادرند اوج بگیرند و از پشت دیوارهای چندمتری پایگاه‌های رژیم اهداف را شناسایی کنند و مورد هدف قرار دهند؛ قابلیتی که موشک کورنت فاقد آن است. از این روی حزب‌الله اکنون می‌داند که اگر رژیم صهیونیستی بخواهد تانک‌های خود را در جنوب لبنان مستقر کند، مقاومت نیز از اتک تاپ‌های خود استفاده کرده و خودروهای زرهی رژیم را حتی در پایگاه و پشت دیوارها مورد هدف قرار خواهد داد.

بحران در ارتش

وضعیت نیروهای سه‌گانه یا چهارگانه رژیم در حوزه زمینی، دریایی، هوایی و پدافند هوایی وخیم است. در حوزه زمینی رسانه‌های عبری‌زبان از بحران نیرو و تشکیل لشکری جدید در تل‌آویو خبر داده‌اند. لشکر جدید در ارتش، شامل «مردان و زنانی که به سن بازنشستگی رسیده‌اند و با حریدی‌ها» می‌شود. بدون وجود تانک‌ها این بحران عمیق‌تر خواهد شد. بدون تانک نیاز به استفاده از سربازان در میدان جنگ بالا رفته و در فقدان حفاظت موثر، تلفات نیز افزایش خواهد یافت. این پدیده خود عامل تشدید کمبود نیروست. در نیروی دریایی نیز صهیونیست‌ها مشکلاتی جدی دارند. ناوهای رژیم که بیشتر برای تامین امنیت ساحلی مدنظر بودند امروزه باید برای دفاع هوایی از ناوگان تجارت دریایی رژیم یا حتی دفاع سرزمینی از خاک فلسطین اشغالی ماموریت‌های متفاوتی را تجربه کنند. نیروی هوایی صهیونیست‌ها نیز وضعیت مشابهی دارد. به دلیل بمباران‌های گسترده، ذخایر انبوه مهمات ته کشیده‌اند. پر کردن مجدد این انبارها که تامین‌شان سال‌ها زمان برده، به آسانی امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر محدودیت ذخیره و تحریم‌ها در حوزه تامین نظامی نیز مزید بر علت شده‌اند. به موازات سه نیروی مزبور، پدافند هوایی صهیونیست‌ها پس از مواجهه با هزاران راکت و صدها پهپاد، رمق چندانی ندارد. برخی از این سامانه‌ها فاقد موشک‌های رهگیر بوده و برخی نیز مورد هدف قرار گرفته و از بین رفته‌اند.

مقایسه روسیه و رژیم

رسانه‌های غربی در آمارهای بزرگنمایی شده ادعا می‌کنند روسیه تاکنون دو هزار تانک خود را در جنگ با اوکراین از دست داده است. این درحالی است که روس‌ها در جنگ با اوکراین به کشوری با ۶۰۲ هزار کیلومترمربع وسعت حمله کرده و تاکنون تقریبا یک‌پنجم مساحت آن را تصرف کرده‌اند. وسعت اوکراین تقریبا ۱۷۰۰ برابر غزه است. وسعت مناطق تصرف شده توسط روسیه نیز تقریبا ۳۳۰ برابر غزه است. به لحاظ جمعیتی اوکراین با ۴۳ میلیون جمعیت در ابتدای جنگ، تقریبا ۲۰ برابر جمعیت بیشتری نسبت به غزه داشته است. در یک تفاوت عمده اوکراین دارای ارتشی قدرتمند بوده و خود یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان سلاح به شمار می‌رود. بالاتر از همه، اوکراین مورد حمایت ناتو قرار داشته و در طول جنگ موفق به دریافت ۲۰۰ میلیارد دلار انواع کمک‌های مالی و نظامی به شکل رسمی شد. در مقابل اما نوار محاصره شده غزه امکانات و توانمندی‌های محدودی داشت. با این‌حال جنگ غزه از یک عنصر تعیین‌کننده برخوردار بود؛ «نتانیاهو». تنها نخست‌وزیر کنونی رژیم می‌توانست با بهترین یگان‌ها و تجهیزات خود به تله تعبیه شده در غزه گام گذاشته و مدت‌ها در این باتلاق باقی بماند. نتیجه این حمایت نتانیاهو از بین رفتن و آسیب دیدن بیش از هزار دستگاه از پیشرفته‌ترین تانک‌های جهان در برابر چند گروه شبه‌نظامی بوده است. بدون نتانیاهو و غرورش هیچ نخست‌وزیر دیگری در تل‌آویو حاضر به اجرای این حماقت نبود.

رمزگشایی از یک مناقشه در آلمان

شلیک به پیمان شنگن

فرهیختگان

اگرچه پیمان شنگن یکی از مصادیق اتحاد کشورهای اروپایی با یکدیگر محسوب می‌شود، اما حداقل در طول سال‌های اخیر این پیمان جمعی دیگر جذابیت چندانی برای برخی سیاستمداران و شهروندان ندارد. تحلیلگران مسائل اروپا می‌گویند پیمان شنگن دیگر حکم یک مزیت را برای قاره سبز نداشته و بالعکس، تبدیل به پاشنه آشیل امنیتی این مجموعه شده است. مناقشه‌ای که اخیرا درخصوص کنترل مرزهای آلمان روی دیگر کشورها صورت گرفته، نشان‌دهنده جدیت انتقادات وارده در قبال پیمان مرزی مشترک ۲۶ کشور اروپایی است.

ماجرای مسابقات یورو و پیمان شنگن

تازه‌ترین مناقشه بر سر پیمان شنگن، مربوط به مسابقات یورو ۲۰۲۴ در آلمان بوده است. اخیرا وزیر کشور آلمان از تمدید کنترل مرزهای سراسری پس از مسابقات قهرمانی اروپا خودداری کرده است. دو حزب اپوزیسیون دموکرات و سوسیال مسیحی و حزب لیبرال‌های دولت ائتلافی به این رویکرد انتقاد دارند. براساس آنچه شبکه دویچه‌وله گزارش داده، نانسی فزر، وزیر کشور آلمان دیگر تمایلی درخصوص استمرار کنترل‌های مرزی ندارد. وی می‌گوید اعمال دستور موقت کنترل مرزها در طول مسابقات قهرمانی اروپا در آلمان «از نظر زمانی محدود و به‌عنوان آخرین راه‌حل در نظر گرفته شده بود.» به نظر می‌رسد صدراعظم سرزمین ژرمن‌ها قصد ندارد به نماد مخالفت با پیمان شنگن تبدیل شود. اولاف شولتس تصمیم قبلی دولت متبوعش درخصوص کنترل مرزهای آلمان را نیز متغیری وابسته به مسابقات یورو ۲۰۲۴ تلقی کرده است اما نه‌تنها احزاب مخالف دولت آلمان، بلکه حزب دموکرات‌های آزاد به‌عنوان یکی از اضلاع دولت ائتلافی خواستار استمرار کنترل مرزها هستند. منتقدان بازگشایی مرزهای آلمان (براساس پیمان شنگن)، معتقدند که دستاوردهای اعمال کنترل مرزی در این کشور اروپایی مثبت بوده و این روند باید حفظ شود. طبق گزارش ارائه شده از سوی نانسی فزر، وزیر کشور آلمان، از آغاز مسابقات یورو ۲۰۲۴، ده‌ها قاچاقچی دستگیر شده‌اند، از ورود غیرقانونی هزاران نفر جلوگیری شده و پناهجویان پس فرستاده شده‌اند. علاوه‌بر این، از ورود بیش از ۱۰۰ هوادار خشونت‌طلب افراطی فوتبال از کشورهای دیگر به آلمان جلوگیری شده است. گزارش رسمی منتشرشده از سوی وزارت کشور آلمان نشان می‌دهد پلیس فدرال حدود یک‌سوم ورودهای غیرمجاز را در مرزهای فرانسه، بلژیک، لوکزامبورگ، هلند و دانمارک، ازجمله از مسیرهای دریایی و هوایی، شناسایی کرده است. مقامات دولت آلمان می‌گویند در آینده پلیس فدرال در این مناطق از ابزار پیگردهای پنهانی برای انجام بازرسی‌های هدفمند علیه جرایم فرامرزی استفاده خواهد کرد. با این حال بر همگان مسجل است که باز شدن مرزهای مشترک اروپا، قدرت مدیریت و نظارت بر این جرایم را تا حدود زیادی ناممکن خواهد ساخت.

انتقادات از تصمیم مرزی دولت آلمان

مناقشات داخلی در برلین بر سر تصمیم اخیر دولت شولتس مبنی‌بر عدم تمدید کنترل‌های مرزی تشدید شده است. الکساندر ترووم، سخنگوی سیاست داخلی گروه پارلمانی دو حزب دموکرات و سوسیال مسیحی، ازجمله کسانی است که از پایان کنترل‌های مرزی در سراسر کشور انتقاد کرده و می‌گوید: «آلمان باید تمام کنترل‌های مرزی را پس از مسابقات جام ملت‌های اروپا نیز تمدید کند. حفاظت فقط از مرزهای جنوبی و شرقی کافی نیست. به هر حال، یک‌سوم از ورودی‌های غیرمجاز «در غرب و شمال کشور ما صورت گرفته‌اند.» حزب دموکرات‌های آزاد (لیبرال‌ها) که در دولت ائتلافی آلمان شرکت دارد نیز خواهان تمدید کنترل‌های مرزی بوده و توقف این روند را غیرقابل قبول می‌داند. با این حال، دو حزب سوسیال دموکرات و سبز که به همراه دموکرات‌های آزاد در دولت ائتلافی حضور دارند، نقض پیمان شنگن را پرهزینه تلقی کرده و بر استمرار آن تاکید دارند.

مناقشه‌ای که جدی‌تر می‌شود

آنچه مسلم است اینکه مناقشه مرزی اخیر در آلمان، مقدمه‌ای برای بسط و تعمیق این منازعه در همه کشورهای عضو پیمان شنگن محسوب می‌شود. گروه‌های ملی‌گرا در اروپا که اتفاقا در انتخابات پارلمانی اخیر نیز جایگاه خود را تقویت کرده‌اند، خواستار لغو پیمان شنگن در راستای اعمال نظارت‌ها و کنترل‌های امنیتی بیشتر کشورها بر مرزهای خود هستند. با این حال احزاب سنتی و طرفدار اتحادیه اروپا می‌گویند از بین رفتن یا حتی دفرمه‌شدن پیمان شنگن مترادف با از بین رفتن یکی از نمادهای مهم همبستگی در قاره سبز بوده و پیام خوبی را به طرفداران همبستگی در اروپا مخابره نمی‌کند. پیام منازعات سیاسی و بعضا حقوقی-امنیتی صورت گرفته در قبال پیمان مرزی مشترک ۲۶ کشور اروپایی مشخص است؛ اینکه برخلاف سال‌های گذشته، پیمان شنگن دیگر حکم یک خط قرمز غیرقابل عبور را در معادلات قاره سبز ندارد.